

بررسی حجیت قیاس

تعریف قیاس
در لغت به معنای اندازه گیری و در اصطلاح به معنای: «اثبات حکم فی محل، بعله ثبوتیه فی محل آخر، بثلک العله» می‌باشد.

ارکان قیاس
1- اصل یا مقیس علیه. 2- فرع یا مقیس. 3- جامع یا علت. 4- حکم.

مستنبط العله

حجت نیست، زیرا مقید علم (به ملازمه بین اصل و فرع) نیست، چه‌انکه:

1- احتمال دارد علت حکم (در مقیس علیه) غیر از آن چیزی است که قایس پنداشته، یا از اساس علتی برای حکم وجود نداشته.

2- احتمال دارد به جز علت، وصفی هم دخیل در حکم بوده، که قایس از آن غفلت نموده است.

3- احتمال دارد قایس، به علت، وصفی را اضافه نموده که در واقع آن وصف دخیل در حکم نبوده.

4- احتمال دارد موضوع دخالت در حکم داشته است.

5- احتمال دارد علت با تمامی خصوصیاتش در مقیس موجود نباشد.

حجت نیست زیرا از ظنون معتبره نیست، چه‌انکه:

1- باعتبار او یا اولی الاجبار. بناء بر تفسیر اعتبار به عیور، و قیاس هم عیور از اصل است به فرع.

2- قل من یحیی العظام و هی رمیم، قل یحییها الذی انشاها اول مرة. به اعتبار دلالت آیه بر مساوات نظیر با نظیر

3- فجزاء مثل ما قتل من النعم. 4- یامر بالعدل و الاحسان. پاسخ: تمسک به مثل چنین آیاتی برای حجیت قیاس، همانند تثبیت غریق به حشیش است.

ولا الی. وجه استدلال: این است که ظاهر «اجتهاد رای»، بدست آوردن حکم بدون تکیه بر کتاب و سنت است، و این گونه اجتهاد همان قیاس ظنی است.

2- روایت ختمیه. وجه استدلال: پیامبر در پاسخ ختمیه که از دین سوال نمود، دین الله را به دین آدمی قیاس نمودند.

3- حدیث بیع رطب به نمر. وجه استدلال: پیامبر در پاسخ از سوال صحت معامله رطب با نمران دو را به همدیگر قیاس نموده و با قیاس، حکم رطب را برای نمر ثابت نمودند.

اجماع صحابه. وجه استدلال: عمل همه اصحاب (من الصدق الی السلفه) به قیاس، دلیل بر حجیت آن است.

عمل. وجه استدلال مبتنی بر دو مقدمه است: 1- حوادث لایتنهای است. 2- احکام متناهی است. نتیجه: برای کشف حکم موضوعات مجهول الحکم، قیاس راه جازه است.

مرحوم مظفر: اگر از ظاهر دلیل استفاده شود که علت منحصره است، این علت عام بوده و حجت است والاخیر.

منصوص العله آن است که شارع حکمی را برای چیزی ثابت نموده و به علت آن حکم، تصریح فرموده باشد.

قیاس اولویت آن است که از فحوائ اولویت از خطاب استند نمود در واقع برای بیان مصداق ضعیف است، والاخیر.

مرحوم مظفر: این ادله اگر به طواهر ادله سمعی یا به ملازمات عقلیه باز نگرند، دلیلی بر حجیتشان نیست، بلکه این‌ها آشکارترین مصداق ظنی هستند که از آن نهی شده است. و این ادله از جهت ارزش و اعتبار، پائین‌تر از قیاس‌اند.

منصوص العله و قیاس اولویت. مرحوم مظفر: منصوص العله و قیاس اولویت حجیتند (لکن نه از باب استثناء از قیاس، بلکه از باب حجیت طواهر. بیان دلک:

1- استحسان. 2- مصالح مرسله. 3- سنذ ذرایع.

ملحقات قیاس

پاسخ: اولاً: حدیث مرسل است. ثانیاً: مجهول است. ثالثاً: معارض دارد. رابعاً: ممکن است مراد معاذ از اجتهاد به رای، تلاش بیشتر برای کسب حکم واقعی باشد.

پاسخ: پیامبر در مقام بیان تطبیق کلی (دین) بر مصداق آن (دین الله و دین الناس) بوده‌اند، و این مسأله ارتباطی به قیاس ندارد.

پاسخ: پیامبر در مقام تطبیق عام (معامله ربوی) بر مصداقش (ربای بالفعل و ربای بالقوه) بوده‌اند، و این مسأله ارتباطی به قیاس ندارد.

پاسخ: اولاً: تا قرن دوم و سوم قیاس رواج نداشته و معلوم نیست عمل اصحاب تا قبل از آن بر چه اساسی بوده. ثانیاً: اجماع همه صحابه ثابت نیست. ثالثاً: با مخالفت بزرگانی همچون امیرالمومنین تحقیق اجماع مخدوش است.

پاسخ: اگرچه حوادث جزئی غیر منتهی است، لکن احکام آنها از عیومات آیات و روایات قبل اثبات است.